



صفحه
آخر

همشهاری

www.hamshahrionline.ir
newsaper.hamshahrionline.ir

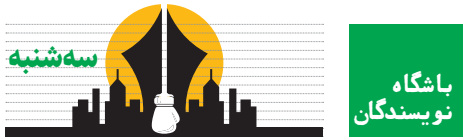
چاپ: همشهاری
تلفن: ۴۸۰۷۵۰۰۰

دفتر مرکزی: تهران، خیابان ولیعصر (عج)، کوچه شهید سید کمال فریسی، شماره ۱۴
گنجینه: ۹۵۹۵۶-۹۶۶۶-۱۶۶۶۶
تهران، صندوق پستی ۱۹۳۹۵۵۴۴۶
تلفن: ۲۲۰۳۲۰۰۰، ۲۲۰۳۲۰۰۰، ۲۲۰۴۶۰۴۶

■ حضرت امیر المؤمنین علی(ع)
فرو خوردن خشم، میوه برداری است.

■ آذان ظهر: ۱۳:۰۸ ■ غروب آفتاب: ۲۰:۲۴
■ آذان مغرب: ۲۰:۴۵ ■ نیمه شب شرعی: ۰۰:۱۵
■ آذان صبح: ۴:۰۵ ■ طلوع آفتاب: ۵:۵۱

■ صاحب امتیاز: مؤسسه همشهاری
■ مدیر مسئول: عبدال... گنجی
■ سردبیر: دانیال معمار



از صفر تا ششم

پیمان شوقی

منتقد سینما



ظاهراً چنین فیلم‌های ایران‌های آغاز سال تا امروز، یکی از مطالبات همیشگی علاقه‌مندان سینمای ایران را برآورده می‌کند که عبارت است از: ایجاد تنوع در مجموعه فیلم‌هایی که همزمان روی پرده‌اند؛ آرزویی که تحقیق دشوار به‌نظر نمی‌رسید، ولی نیاز به درک و همکاری کار گروه‌های متولی ایران داشت و نگاهی فراتر از سود و زیان آنی را می‌طلبد. البته فروش عمومی فیلم‌های بهاره اصلا مطلوب نبود، ولی در میان هزار و یک مشکل آشکار و نهان هوار شده بر سر اقتصاد و سینما، دست کم یکی از موانع جذب مخاطب برطرف شده و می‌شود سایر ایرادات و کاستی‌ها را رصد کرد و راه چارهای برایشان اندیشید.

مثلاً در حالی که در همه جای دنیا اقتصاد سینما عمدتاً بر شانه‌های ژانر محبوب جوانان یعنی عاشقانه و اکشن است، در میان انواع فیلم‌های تولید داخل، همین دو تا از همه مظلوم‌تر و کم‌تعدادترند؛ چرا که تصویر کردن عاشقانه‌ها، محذوراتی مبتنی بر سلیقه‌میزان دارد و ساختن اکشن هم پول می‌خواهد، در حالی که فیلم‌های عاشقانه صرف‌فقط از همخوانی با حال و هوای عاطفی عموم مخاطبان جوان داستان‌هاست، فضای عمومی جامعه را هم تلطیف که لازمه این داستان‌هاست، فضای عمومی جامعه را هم تلطیف می‌کنند و طراوت می‌دهند. فیلم‌های اکشن اگرچه این خاصیت را ندارند، ولی به‌دلیل ریتم تند و حرکت و هیجان آفرینی‌شان برای قشرهای مختلف بینندگان جذابند و در نهایت اگر از دستاوردهای فنی سینمای روز دنیا بهره ببرند، تماشاچیان روی پرده بزرگ فی‌نفسه یک جذابیت است.

این روزها ۱۲ کشتن ایرانی یکی در سینماها و دیگری در شبکه نمایش خانگی در دسترس هستند که از قضا هر دو نخستین ساخته کارگردانی هستند که سال‌ها در سینمای حرفه‌ای و سرای‌های تلویزیونی استخوان خرد کرده و نام‌شان پای برخی از ماندگارترین آثار پر مخاطب این دو رسانه خورده است. هر دو فیلم محصول سال‌های پیش از همه‌گیری هستند و چند سال معطل ایران مانده‌اند. هر دو مبتنی بر فیلمنامه‌های بسیار کار شده و پر جزئیات هستند و در استاندارد هم‌پای فیلم‌های روز جهان تولید شده‌اند که این ویژگی در میان اکثر تولیدات سینمای وطنی به‌شدت چشمگیر است. هر دو فیلم‌هایی «قهرمان» محخور هستند و بالاخره اینکه کلمه «روز» در اسم هر دویشان مشترک است، «روز صفر» و «روز ششم»!

فیلم اول با پایان ایران - سینمایی‌اش حالا چند روزی است که به شبکه نمایش خانگی آمده، ولی به‌نظر می‌رسد تماشاچی آن روی پرده بزرگ و صدای چند بانوی سینما تجربه دیگری بوده که هر کس ندیده ضرر کرده باشد.

«روز ششم» هم که تازه گی مهمان سینماها شده، جدا از جاذبه‌های عمومی اکشن‌ها، از شمایلی و نشانه‌های فیلم نوآور هم بهره می‌برد که در تمرکز فضای تاریک سینما بهتر می‌شود پازل‌های داستان‌ها را کشف کرد و لذت برد. «روز ششم» یک قهرمان خاکستری و در عین حال باهوش و تا حدودی روشنفکر دارد که برای نجات از مخصصه علاوه بر قدرت جسم، نیروی مغز و بزرگی روح را نیز به کار می‌گیرد و می‌شود گفت در کنار آدم اصلی «روز صفر»، نمونه جدیدی از «شخصیت اصلی» در فیلم ایرانی را معرفی می‌کند که فرزند خلفان دوران است. راز جذابیت چند لایه فیلم هم همین است. این روزها تماشاگر فیلم اکشن دیگر مجذوب حانه‌پردازی و قهرمان‌بازی آدم خواب‌های بزن بهادر نمی‌شود؛ چون کاملاً با پیچیدگی‌های ماهیت «شر» در زمانه ما آشناست و نمونه‌های واقعی آن را هم در پیش چشم دارد. می‌داند جنگ با این اژدها کار سلحشور پاک‌سرشت قصه‌های پریان نیست و برای قطع کردن بازوهای متعدد این اختاپوس باید گاهی ایلوسی بود در قامت قدیس؛ بنابراین سازندگان اکشن‌های ایرانی بعد از این برای جذب تماشاگر باید در کنار پرداخت حرفه‌ای و جاذبه‌های بصری، این اصل کلیدی را در شخصیت‌پردازی قهرمان ضدقهرمان‌هایشان رعایت کنند و مظاهر شری بیافرینند چند لایه و باهوش و حتی به‌ظاهر توانا تر از قهرمان‌ها؛ چه تروریست یک بیگ پروداکشن پر خرج مثل «روز صفر» باشد و چه موجودی پلید و زیاده‌خواه در یک نوآور استاندارد شهری باشد مثل «روز ششم».

آخر مصور



تغاب مجازی / اثر: احمد فلاح

فراخوان

بی تعارف و تکلف، مثل همین متن کسواتی که می‌پنید. ما منتظریم تا نوشته‌هایتان درباره مسائل روزمره، مشکلات و دغدغه‌هایتان را برای ما ارسال کنید. اگر اهل طنز و کار یکاکتور و طراحی هم هستید چاینتان اینجا محفوظ است. متن یا طرح‌تان که آماده شد یک تماس با شماره ۲۳۰۲۳۶۳۶ بگیرد تا برای رساندنش به ما، راهنمایی‌تان کنیم.

تقویم / شهادت

مردی که بهشتی شد



روزهای اول سال تحصیلی ۱۳۳۰ است. بچه‌ها سر کلاس نشسته‌اند و منتظرند تا معلم انگلیسی‌شان بیاید. در باز می‌شود و یک روحانی جوان عمامه‌مشکی وارد کلاس می‌شود. بچه‌ها متعجب همدیگر را نگاه می‌کنند. یکی که از بقیه شجاع‌تر است، می‌گوید: آقا، ما انگلیسی داریم. و آن جوان عمامه‌مشکی سرش را تکان می‌دهد که «هن‌معلم انگلیسی شما هستند».

«سیدمحمدحسین بهشتی» همان جوان عمامه‌مشکی آن روزها کارهایی می‌کرد که برای خیلی از آدم‌های سوززه علمیه عجیب بود. دبلم ادبی‌اش را گرفته بود و در امتحان ورودی دانشگاه معقول و منقول (همان دانشگاه الهیات) دانشگاه تهران شرکت کرده و شده بود دانشجوی آنجا. زبان انگلیسی‌اش را هم کامل کرده بود و غیر از روزهایی که برای کلاس‌های دانشگاهش می‌رفت تهران، باقی روزها را در دبیرستان‌های قم، زبان انگلیسی درس می‌داد. هم‌زمان با همه اینها، تحصیلاتش را هم در حوزه علمیه قم ادامه می‌داد. بعد هم رفت دنبال فلسفه و شد شاگرد درس فلسفه علامه طباطبایی. شاید مهم‌ترین کاری که سیدمحمدحسین بهشتی برای انقلاب انجام داد، همین درس خواندن‌ها و تلاش‌های زیادش بود. او بعد از پیروزی انقلاب، شد مسئول تدوین قانون اساسی و خیلی‌روز کار تدوین را به پایان رساند؛ قانون اساسی‌ای که از نظر کیفیت و زمان تدوین، بی‌نظیر بود.

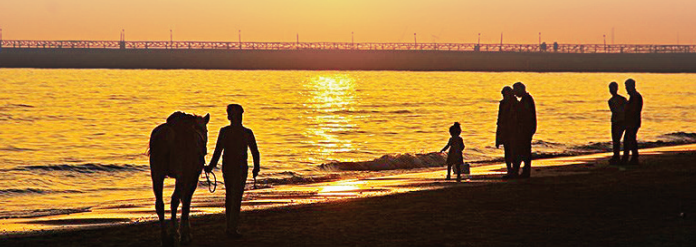
هفته تیر ۱۳۶۰، بهشتی در ساختمان حزب جمهوری در سرچشمه سخنرانی داشت. آن شب بحث درباره انتخابات جدید و شرایط کشور بعد از قرار بنی صدر بود. بهشتی عادت داشت وسط صحبت مثل معلم‌ها، بحث را قطع و سؤال کند. آن موقع همین کار را کرد. نگاهی به اطراف کرد و گفت: «بوی بهشت می‌آید، نه؟» به دقیقه هم نکشید که بمب منفجر شد و بهشتی و ۷۲ نفر از یارانش شهید شدند.

زندگی پدیا

آن روی سکه سفر

مریم ساحلی

نگاه‌شان به دریاست و تفاوتی ندارد که از دور آمده باشند یا نزدیک. آنها دل به جاده زده‌اند و آمده‌اند تا گوش بسپارند به آواز امواج و پرواز پرندگان دریایی. آنها آمده‌اند تا تن به خنکای سایه درختان بسپارند و رو بیاھیشان را حوالی نسیمی که خاھر خوانده جنگل است، مرور کنند. آنها شبیه هم نیستند؛ عده‌ای شب‌هایشان را در اتاق‌های رو به دریای هتل‌های چندستاره می‌گذرانند و عده‌ای دیگر در هجوم شب‌هنگام پشه‌ها و فضای دم‌کرده چادرها، می‌دانید مسافران که می‌رسند، حجمی انبوه از دلخوشی‌های کوچک و بزرگ، حسرت‌ها و آرزوها می‌شود. شما هم اگر اهل شهری باشید که مقصد سفر مسافران بسیار باشند، شاید این احساس را با تکتک سلول‌هایتان حس کرده‌اید. باید گفت «شاید» چرا که تا عمری بر آدمی نگذرد و تلخ و شیرین روزگار را به کلیت نچشد، کمتر نگاهش روانه اعماق می‌شود. همین من تا یکی، ۲ ماه پیش داماد از خود می‌پریدم، مسافرانی که در گرمای شرجی بوش شمال، خسته و عرق‌ریزان از راه می‌رسند و به جای



دیالوگ

عصر یخبندان

مصطفی کبیایی

می‌دونم تو عصر یخبندان کیا زنده موندن؟ فقط خارپشتا اونا ۲ راه داشتن؛ یا دور هم جمع شن و از همدیگر بگازین، یا از هم دور شن و از خارپشتون توبدن هم تره. اونا راه اول رو انتخاب کردن...

بوک مارک

هیاهوی زمان

چولین بارنز

خوش داشت فکر کند که از مرگ نمی‌ترسد. این زندگی بود که او را می‌ترساند، نه مرگ. بر این باور بود که مردم باید بیش از اینها درباره مرگ فکر کنند و خود را به مفهوم آن عادت دهند. اینکه بگذاری مرگ خزان خزان و بی‌آن که متوجه شوی پیش بیاید، اصلاً رویه درستی برای زندگی نیست. آدمی باید با مرگ خو کند و درباره‌اش بنویسد. چه با کلام، چه مثل او با موسیقی.

تاکسی قم

فاطمه عباسی

روزنامه‌نگار

بعد از ۲ سال و اندکی که کرونا آدم‌ها را در قرنطینه نگه داشته و سفرها را قدغن کرده بود، حالا با فروکش کردن این بیماری، گردشگری بار دیگر رونق گرفته و مسافرت‌ها هم آغاز شده است. از آنجا که صنعت گردشگری، صنعت پولساز و مهمی برای کشور محسوب می‌شود، تامین زیرساخت‌های این صنعت به‌ویژه برای ورود گردشگران خارجی به کشور، از اهمیت زیادی برخوردار است. همانطور که می‌دانید شهر قم به‌عنوان دومین قطب گردشگری مذهبی کشور، در

اول آخر

کارگاه کوزه‌گری / عکس: فرناز دمنایی



جوان ترین زندانی سیاسی



ریاض: تصویر سمت چپ مرتجی قریبی را در زمان دستگیری و تصویر سمت راست، او را در زمان آزادی از زندان نشان می‌دهد. فعالان حقوق بشر می‌گویند که یک زندانی سیاسی عربستانی که به‌دلیل حضور در اعتراض‌های خیابانی دستگیر شده و در آستانه اعدام قرار گرفته بود، از زندان آزاد شده است. به گزارش بی‌بی‌سی، مرتجی قریبی که از شیعیان عربستان است، در سال ۲۰۱۴ به اتهام شرکت در اعتراض‌های بهار عربی که در سال ۲۰۱۱ بر پا شده بود، دستگیر شد. او در زمان اعتراض‌های شیعیان در سال ۲۰۱۱، ۱ ساله و در زمان دستگیری حدوداً ۱۴ ساله بود. ۳ سال بعد از اعتراض‌ها، مرتجی قریبی به‌دلیل انتشار ویدئویی که او در آن دیده می‌شد، دستگیر شد. در آن ویدئو، وی به همراه چند کودک دیگر که عموماً همسن و سالانی بودند، روی دوچرخه یک تظاهرات علیه حکومت خاندان سعودی دیده می‌شد.

۴۴ فرزند تا ۴۰ سالگی



کاساو: میریم نباتنزی، زنی اهل اوگاندا که در ۱۲ سالگی به ناچار زیر بار کودک همسری دفته، در ۴۰ سالگی مادر ۴۴ فرزند است. خانم نباتنزی در ۱۳ سالگی نخستین زایمان خود را با سه دنیا آوردن یک دوقلو تجربه کرد. او تاکنون ۳ دوقلو و دیگر به همراه ۵ سه‌قلو و ۵ چهارقلو زاییده و تنها یک‌بار از زایمان تک فرزندی را تجربه کرده است. پزشکان معتقدند که این زن اهل اوگاندا مبتلا به یک بیماری نادر است که مانع از کارایی بسیاری از روش‌های تنظیم خانواده و ضدبارداری می‌شود. براساس تشخیص پزشکان، تخمدان‌های او گذشته از اینکه در حدی غیر معمول بزرگ است بلکه دچار عارضه تخمک‌گذاری بیش از حد و استثنائی است. پزشکان بر این باورند که اگر خانم نباتنزی زایمان را متوقف کند، ممکن است دچار مشکلات سلامتی شود. او پیش‌تر به خبرگزاری رویترز گفته بود: «من با رنج بسیاری بزرگ شده‌ام، البته همسرم برای پشت‌سر گذاشتن این رنج‌ها بسیار به من کمک می‌کرد ولی تمام وقت من صرف مراقبت فرزندانم و کار برای کسب درآمد شده است؛ کارهایی مثل آرایشگری، فروش داروهای گیاهی، جمع‌آوری آهن قراضه ولی همه پولی که به‌دست می‌آورم خرج غذا، لباس و مدرسه بچه‌ها می‌شود.»